

در منطقه ای که به سبب این معاهده و پیروزی قاطبه سایر نواحی کردستان، تکلیف  
 است. یعنی دیگر این که دقیقه به دلیل تقسیم کردستان بین جنگ  
 دولت بورژوازی پیروزی انقلاب کرد. در گرو بنظر مبارزات و تلفیق آن بنا  
 مبارزات رنجشان، عربو ایرانی و ترک ترکیه همین دولت بورژوازی است.  
 همانطور که در این مقاله سعی کردیم نشان دهیم خود تشکیل  
 ملت کرد و انکار حق خود مختاری آن هر دو فرآوردۀ نفوذ امپریالیزم  
 در خاورمیانه است. یعنی نیروهای سیاسی و اقتصادی جهانی هستند  
 که مسیر حوادث در کردستان را شکل بخشیده اند. و نه برعکس، امپریا-

لیزم سیستم سیاسی و اقتصادی جهانی است و سوسیالیزم انقیاد آن  
 فرآیند انقلابی بدآور نامودی اولی را بنا ساختن دومی از شرایط می دهد.  
 پیروزی انقلاب کرد. نیز در گروی درک این دیپلمازم است. یعنی در گروی  
 رهبری آگاه سوسیالیستی که این منطقه ضد کاپیتالیستی فرآیند مبارز  
 را درک کرده، در عمل پیاده کند.

مرداد ۱۳۵۹  
 ج - صالح  
 ا - رابعه



# صلح موقت

## تسلیم طلبی دائمی

آخرین "قرارداد موقت" بین مصر و اسرائیل روز ۳ سپتامبر در  
 اسکندریه توسط نمایندگان دولت مصر با امضاء رسید. همین قرار داد  
 روز قبل توسط اسرائیل با امضاء رسیده بود. پس از امضای قرار داد در  
 حضور ختری کینسیجر، رئیس جمهور مصر انور سادات نطق کوتاهی بیان  
 کرد. پس از نطق این تعارضات که از سیاستمداران در این نوع مواقع  
 انتظار می رود سادات صریحاً به نکته مهم اشاره کرد: "اسکندریه  
 جدید" و "قرارداد موقت" در این مواقع در دست دارند. نمایندگان در اسکندریه

و همچنین از آنجا که یک ابر قدرت می باشد، ایالات متحده مسئول  
 صلح در خاور میانه است. این تفسیر دقیقی از محتوی و مفهوم قرار  
 داد جدید می باشد. شرایط قرار داد، امپریالیزم آمریکا را در کنترل  
 "پروژه صلح" قرار می دهد. جنبه های سری قرار داد، که در جنگ  
 یاد داشت که بین طرفین رد و بدل شده است، ذکر شده اند. قدم  
 های مهم جدیدی را برای جذب مصر به محور امپریالیزم آمریکا ایجاد  
 می کنند. سادات در نطق خطبات به رهبری اتحادیه سوسیالیست

عرب، تنها حرکت سیاسی قانونی مصر، ذکر کرد که از طریق یک استراتژی در دلتا نیک ما هارنه او توانسته است ایالات متحده را از یک نیروی دگرپذیر "بازارهای اعراب و اسرائیل" به یک داور تبدیل کند. صحیح است اگر بگویم امپریالیزم آمریکا خود را از یک شرکت کننده در این نزاع و جانی یکی از طرفین به حامی و ناظر بر هر دو طرفین تبدیل کرده است. بررسی قرارداد نشان می دهد که رژیم سادات کاملاً در قابل خواست های امپریالیزم آمریکا تسلیم شد. چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ سیاسی، سادات در مورد هر ساله مهم غف نشینی سازمانی کرد. قرار داد امضا شده قدیم دیگری در جهت استقرار صلح آمریکایی که بیش از چهار سال است طبقه حاکمه مصر، امپریالیزم آمریکا، طبقه حاکمه اسرائیل جویای آنند، بخطر می رود. لیکن اینکه آیا ایجاد چنین "صلحی" در این منطقه امکان پذیر است هنوز مورد سؤال است، زیرا نیروهای غیر از سه طرفداران این صلح وجود دارد.

### شرایط قرارداد

از لحاظ نظامی نظامی اسرائیل هیچگونه غف نشینی مهمی نکرده است. این امر صرفاً فقط حدود ۱۰ کیلومتر بطن شرقی پیش می رود. ارتش اسرائیل قریب ۲۰۰ الی ۵۰۰ کیلومتر غف نشینی می کند. بنابراین منطقه بین دو ارتش که حدود ۱۰۰۰ سرباز سازمان ملل متحد در آن مستقر خواهند بود، برین تر از قبل خواهد بود. درست است که ارتش اسرائیل حالاً در شرق گدنه های استراتژیک بیتا و الحدی که در مسیر خطه ارتش مصر به جهت اسرائیل قرار گرفته اند مستقر خواهند بود. لیکن اسرائیل در نزدیکی های خروجی شرقی گدنه ها مستقر بوده، این حضور و نظامات اطراف گدنه ها تسلط خواهند داشت. بنابراین آنها دست راستی های افراطی اسرائیل و برخی از متخصصین نظامی آمریکا نمی برانند که ارتش صهیونیستی هم اکنون در موضع ضعیف تری برای بقا بود. بلا حمله ای از طرف مصر، از نوع حمله ای که حمله اکثر را آغاز کرد نمی باشد. کاملاً با صحت است، حتی اگر منطقه نیروهای سازمان ملل بین دو ارتش و هیچگونه محدودیتی هم در تعداد سرباز و اسلحه یک طرف در خط اول جبهه خود می تواند مستقر کند، وجود نظامی واضح جدید اسرائیل باید از به سابق قابل دفاع می بودند. در عوض مواضع اسرائیل توسط ماده های قرارداد عینی بر محدود کردن نیروهای مستقر دو سمت تقویت یافته است. بنا بر پروتکل انتشار یافته محدودیت های ذیل برای تعداد سرباز و مقدار اسلحه در منطقه ای که "منطقه نیروی مجدد" عنوان شده تعیین شده است: هشت گردان عادی سرباز بیاید، نظام ۶۵ تا یک ۷۵ توپ، هیچکدام حصار انداز، که گردشان نمی باید از ۱۲ کیلومتر تجاوز کند، علاوه بر این تعداد کل سرباز می باید کمتر از ۸۰۰۰ نفر باشد. هیچیک از طرفین نمی باید سلاحهای در این منطقه داشته باشند که گردشان تا خطوط طرف دیگر باشد، هیچیک از آنها نمی باید در منطقه نیروی مجدد سنگرهای بسازند که گنجایش آنها بیش از تعداد سرباز و سلاحهای مجاز باشد.

علاوه بر این در مناطق خارج از منطقه نیروی مجدد نیز شامل محدودیت هایی می شود؛ هیچیک از طرفین نمی باید سلاحهای کار بردارند که گردشان تا خطوط دیگری باشد، هیچیک از طرفین نمی باید در منطقه ای بحری ۱ کیلومتر شرق و مغرب منطقه نیروی مجدد و خشک های غده هوایی مستقر سازند.

خطوط جدید اسرائیل در حال حاضر نه تنها در مقابل حمله نیروهای مصر قابل دفاع می باشد بلکه علاوه بر آن ارتش مصر از امکان انتقال سرباز و اسلحه به شرق کانال سوئز بقدری که برای خطوط اسرائیل خطری بشمار آید، یا حتی آن را قادر به عملیات کوچک نظامی از نوعی که رژیم مصر قبلاً نگاه بگذاهد انجام می داد یکسند، تحریر شده است.

سه مرکز اطلاعاتی مجهز به مدرن ترین دستگاه های الکترونیک

در منطقه بیطرف تأسیس خواهد شد که هر دو طرفین شرایط قرارداد را رعایت کنند. یکی از آنها توسط مصری ها اداره خواهد شد. یکی توسط اسرائیلی ها و سومی توسط آمریکایی ها. آمریکایی ها آزادانه به مراکزی که توسط مصر و اسرائیل اداره می شوند دسترسی خواهند داشت. نیروهای سازمان ملل متحد در منطقه بیطرف باقی خواهند ماند و اجازه آنها سال سال در عرض سه ماه به سه ماه مانند سابق تجدید خواهد شد. وسیعاً گزارش داده شده است که در یکی از ماده های سری قرارداد سادات قول داده است که اجازه نیروهای سازمان ملل را برای سه سال متوالی تجدید خواهد کرد. اگر جنبه های نظامی قرارداد سنیانه اجرا گدازده شوند هیچ دلیلی وجود ندارد که در این مورد تزیه ای داشته باشیم. جبهه مصر و اسرائیل عملاً منجمد خواهد شد. عملاً برای ارتش مصر غیر ممکن خواهد بود که به نیروهای اسرائیل حمله کند. زیرا چنین حمله ای شامل شکستن قرارداد و مقابله مستقیم با امپریالیزم آمریکا و نیروهای سازمان ملل در منطقه بیطرف خواهد شد. و این مقابله می باید قبل از هرگونه درگیری با ارتش اسرائیل صورت گیرد.

ولی براهمت تر از قرارداد های نظامی سازش های سیاسی بنام سادات می باشد. در ابتدای ماده شماره ۱ قرارداد چنین ذکر شده است: "اختلافات بین آنها (مصر و اسرائیل) و در خارج عیان از طریق تری نظامی حل نخواهد شد بلکه از طریق مسالمت آمیز" دو ماده دیگر چنین ذکر شده است: "طرفین توافق می کنند که بنا به پیشنهاد یا پیشنهاد از زور یا محاصره نظامی بر علیه یکدیگر متوسل نشوند." ماده شماره ۷ ذکر می کند: "مال التجاره غیر نظامی به جهت یا از فیداء اسرائیل اجازه عبور از کانال سوئز را خواهد داشت." در ماده شماره ۹ ذکر شده است: "این قرارداد پس از امضای پروتکل به اجرا گذارده خواهد شد و تا زمانی که قزار داد جدیدی جایگزین آن شود معتبر خواهد بود."

با عقاید این قرارداد رژیم سادات عملاً قول داده است که بیطرفی دولت اسرائیل وارد جنگ نشود. چنین قراردادی در زمان تأسیس دولت اسرائیل بی نظیر است. رد استفاده از قهر بر علیه اسرائیل بدو قید و شرط و این لحاظ زمانی نامحدود است زیرا قرارداد تا زمانی که قرارداد جدیدی صادر شود اعتبار خواهد داشت و هیچگونه امکان برای لغو یک جانبه آن در نظر گرفته نشده است. علاوه بر این مصر قول داده است که سعی نکند از عبور کشتی های اسرائیلی از باب المنداب (دمانه جنوبی بحر احمر بین یمن و آفریقا) و خلیج عقبه جلوگیری کند. قبلاً هرگز به کشتی هایی که قصدشان اسرائیل می باشد اجازه عبور از کانال سوئز داده نمی شد و حتی ماه مارس گذشته زمانی که کیسینجر می گویند قرارداد سنی را مذاکره کند سادات از دادن این امتیاز خودداری کرده بود.

رویه گرفته این قرارداد بجا به بزرگترین صلح مجزا بین مصر و اسرائیل می باشد. تا این حد از متن خود قرارداد کاملاً واضح است. لیکن توافق هایی بیش از آنچه که در متن قرارداد ذکر شده وجود دارد. در یکی از یادداشتها، که سری نگاه داشته شده، سادات به واشنگتن چندین ضمانت داده است. آن طور که وسیعاً گزارش داده شده این ضمانت ها شامل نکات زیر می باشد: عدم دخالت نظامی مصر در صورت وقوع جنگ بین اسرائیل و سوریه، ملامت تر کردن تبلیغات ضد صهیونیستی منتشره از سرزمین مصر، و آسان گرفتن تحریم کمپانی های آمریکایی ای که در اسرائیل فعالیت دارند در مصر.

### ورود مصر به سلطه آمریکا

این قرارداد سازشکارانه صرفاً جدیدترین قدم سادات جهت وابستگی به امپریالیزم آمریکا می باشد. هدف مصر از جنگ اکتبر دقیقاً این بود که امپریالیزم آمریکا را وادار کند که در امور خارج عیان دخالت کند و قراردادی به اسرائیل بقبولاند که بر طبق آن اسرائیل

است. هدف اصلی این آیه که در سال ۱۹۶۷ اشغال کرده بود، هدف اصلی بود. در عین حال، از اعتراف شناسایی رسمی دریافت کند. البته این برزخه قیمت اعزاز فلسطین انجام می‌شد. در عین حال، بحران اقتصادی و اقتصادی مصر رژیم بوزواوی مصر را هرچه بیشتر جویای هم‌هنگامی و قدرت‌های امپریالیستی پیروزه ایالات متحده می‌کرد. این سال، نقطه خود بود تغییر در سیاست مصر ایجاب می‌کرد؛ اول اینکه اسرائیل رسمیت شناخته شود و قراردادی عقد شود که دولت فلسطینی و ارتش آن را هم‌بصورت فرزندترین نیروی ضد انقلابی در منطقه باقی بگذارد و دوم اینکه اقتصاد مصر دست‌خوش خصوصی‌سازی شده، محدودیت بر سرمایه‌گذاری خارجی لغو شده و مصر از لحاظ سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک هرچه بیشتر به محور آمریکا گسسته شود.

از این نظر قرارداد سینا کاملاً قابل فهم می‌باشد. سادات سعی خواهد داشت که ادعا کند پیروزی بزرگی کسب کرده است و زیرا مصر اسرائیل را وادار کرد که تعیینی اوگردنه‌های تالار الحکامی کرده و مناطق نفت خیز ایزوئریس را پس گرفته است. این نوع تبلیغات برای طرف داخلی مصر می‌باشد؛ غیر از این سادات برای طبقه حاکمه اسرائیل نیز کاری کسب خواهد کرد؛ ایالات متحده در سال جاری یک میلیارد دلار به مصر خواهد داد. مصر خواهد کرد؛ خانه دولتی توسط دولت نفت ایزوئریس کم خواهد شد با دور شدن ارتش اسرائیل از کانال سوئز محور کشتی از آن افزایش خواهد یافت و در نتیجه درآمد آن بالا خواهد رفت. باز نتیجه اطمینان بیشتر به پایبندی اسرائیل به سویه‌های امپریالیستی که تا بحال تبدیل ناآرامی اوضاع منطقه است افزایش خواهد یافت. نقطه ساختن صحنه سینا برای آگاهی سادات به دولت این امکان را خواهد داد که مقصداری از هدف نظامی را در راه توسعه اقتصادی بکار برد.

توجه‌کننده‌تری نیست که قرارداد سینا نتایج خودمندی هم برای امپریالیزم آمریکا و هم برای بوزواوی و بورگراسی دولتی مصر در بر خواهد داشت. قیاس بر رویه در این هم نیست که ورود سرمایه به امپریالیستی قادر به حل بحران اقتصادی مصر، که شامل تورم، بیکاری و تنزل مداوم سطح زندگی کارگران بود. همانان مصری می‌بایست، نخواهد بود اقداماتی که رژیم سادات می‌باید برای استفاده از امتیازات قرارداد سینا اجزا کند. خود باعث تشدید بحران اجتماعی مصر خواهد شد و این بنوعی خود به رشد جنبش نوین کارگری در مصر منجر خواهد گشت. سادات و بوزواوی مصر ممکن است بقیعت تسلیم شدن توانسته باشند تا دولت صهیونیستی صلح بفرماید کنند، لیکن آنها حاضر نخواهند بود در مقابل کارگران و دهقانان مصری تسلیم شوند و در نتیجه صلح بین آنها و رژیمشان برقرار نخواهد شد. بلکه برعکس مبارزه بین آنها رشد خواهد یافت. طبقه کارگر مصر دوباره در مصر انقلاب عرب قرار خواهد گرفت.

### اهداف اسرائیل

نتایج جنگ اکتبر ۱۹۷۳ شرایط جدیدی بوجود آورد که سینا و نتهای صهیونیستی می‌باید در چارچوب آن قرار گیرند. از دیدگاه طبقه حاکمه اسرائیل این شرایط جدید از این قرارند: (۱- امپریالیزم آمریکا - یابن امر واقع شده است که برای گسترش نفوذ خود در دنیا عرب می‌باید اعتباراتی به طبقات حاکمه عرب بدهد و صلح گرفته است که این اعتبارات از جانب دولت صهیونیستی داده شود و نه از طرف ایالات متحده یعنی بهای فعالیت‌های آمریکا از دولت اسرائیل بصورت امتیازات ارض پیروزه به مصر می‌باید بپردازد. (۲- وابستگی حیاتی اسرائیل به واردات اسلحه از آمریکا که در طی جنگ اکتبر همس راهج ترشد و هم تشدید یافت، وابستگی اسرائیل را به آمریکا تحمیل کرد، است و در نتیجه از استقلال آن آویز در مقابل فشارهای ایالات متحده کاسته است. (۳- انفراد بین المللی اسرائیل در سطح دیپلماتیک در نتیجه خود داری قدرت‌های امپریالیستی اروپائسی و

بسیاری از دول‌شبه مستعمره از پشتیبانی اسرائیل در مجامع عمومی مانند سازمان ملل تشدید یافته است. (۴- ناتوانی ارتش اسرائیل در نابود کردن نیروهای عرب در جنگ اکتبر منجر به بحران سیاسی داخلی در اسرائیل شد (که با اسم "زلزله" معروف شده است) و میزان قوا بین اسرائیل و دول عرب را تنگ‌دل عرب تغییر داد.

طبقه حاکمه صهیونیستی درک کرد که این شرایط عینی جدید آن را وادار به دادن امتیازات ارض خواهد کرد زیرا بهیچوجه به نظر یهودی نخواهد توانست در مقابل اعطای چنین امتیازاتی مقاومت کند. بنابراین یکی از اهداف اصلی اسرائیل این شد که امپریالیزم آمریکا را وادار کند غنای سنگین در عوض امتیازاتی که به غرب می‌دهد بپردازد. یعنی هدف حرکت اسرائیل این بود که امپریالیزم آمریکا را مجبور کند بهای دستیابی اثر ارض در نتهای عرب خود بپردازد. منظور دقیقتر، هدف دولت اسرائیل این بود که (۱- ایالات متحده را وادار کند که خرج بحران اقتصادی اسرائیل را بپردازد. (۲- ایالات متحده کمک‌های جدید نظامی بگیرد و به فاصله بین قدرت نظامی خود و دول عرب بفرزاید. (۳- ایالات متحده ضمانت بگیرد که ارتش تشدید انفراد بین المللی اسرائیل جلوگیری خواهد کرد. (۴- مقدار هرچه کمتری امتیاز ارض بدهد. علاوه بر این، اینکه بازی می‌گرداند فقط اراضی اشغال شده مصری باشد. یابن دلیل که اولاً در صحنه تمام اراضی اشغال شده صحرای سینا، کارشناسان آبهاس، صحرای سینا تقریباً هیچ سنگه‌ای ندارد، هیچگونه سکونت‌های امپریالیستی در آنجا تاسیس نشده است، غیر از زره که اسرائیل نشان داده است کوچکترین علاقه‌ای به از دست دادن آن ندارد. سینا ساکنین فلسطینی ندارد و پس دادن آن "مسئله فلسطینی‌ها" را، کسب صهیونیستها بهیچوجه نمی‌خواهند حقوقشان را قبول کنند، مطرح نخواهد کرد.

اگر از نظر این اهداف به قرارداد بین مصر و اسرائیل بنگرییم این قرارداد بوضوح پیروزی غیرقابل تردیدی برای دولت صهیونیستی بشمار می‌رود.

زمانی که مذاکرات برای این قرارداد مراحل ابتدایی خود را طی می‌کرد، گزارش داده شد که اسرائیل در ازای توافق با این قرارداد ۲۵۰۰ میلیون دلار کمک مالی از ایالات متحده درخواست کرده است. اسرائیل کل این مبلغ را دریافت کرد و امکان دارد باز هم دریافت کند؛ یکی از ظلمات اسرائیل در اورشلیم در این مورد گفت: "بلاخه را - بین عروس زشتی با اسم قرارداد موقت را قبول کرده است. اگر چهزینه خوبی هم از باها واشنگتن دریافت کنند وای بحال او."

چهارمین آیه که از این دریافت کرده است بسیار خوب و کافی است. اسرائیل ۲۰۰ کیلومتر بیابان بی آب و علف را، که که کوچکترین ارزش برای دولت اسرائیلند است، پس داده است. تنها امتیاز مادی ای که داده است منطقه نفت خیز ایزوئریس در قسمت جنوب غربی سینا می‌باشد. این منطقه شامل حدود صد تنگه نفت است که تولید کل آنها از سال ۱۹۷۳ تا بحال فقط ۵/۴ میلیون تن بوده است. بنا بر تخمین کارشناسان اسرائیلی نفت این منطقه به هر حال تا سال ۱۹۸۰ تمام خواهد شد. تولید نفت در این منطقه ۵۰۰ الی ۶۰۰ میلیون تن در سال است، تأمین می‌کرد. در مقابل منطقه نفت خیز ایزوئریس ایالات متحده توافق کرده است که سالانه ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیون دلار به اسرائیل خریداری نفت در بازار بین المللی به اسرائیل بپردازد. علاوه بر این سنگین ضمانت داده است که اگر ازل آویز در نتهای نفت در بازار بین المللی به اشکالاتی برخورد کند خود احتیاجات نفتی اش را بطریق خواهد کرد. بنابراین از دست دادن این مناطق نفت خیز همچولت ضرری برای اسرائیل نداشته است.

اضافه بر فرامشی که برای نفت ایزوئریس پرداخته می‌شود، ایالات متحده ۱۵۰ میلیون دلار هم به اسرائیل می‌پردازد که خط نظامی فعلی خود را بنیاد کرده. خط جدیدی تاسیس کند. از نظر تعلیم حدود ۱۵۰ میلیون دلار از کله‌های مالی خرج وارد کردن سلاح‌های جدید. از ایالات متحده خواهد شد. از جمله سلاح‌های جدید که ایالات متحده به اسرائیل تحویل خواهد داد بمب‌های لیزری،

از نوع بمب هائی که آمریکا در ویتنام بکار می برد ، و تعداد نامعلومی بمبک لائسن می باشد . بمبکهای لائسن بمب ۱۱۰ کیلوگرمی داشته ، قادر به حمل سلاحهای هسته ای نیز می باشند و از قرار معلوم قدرتشان پنج برابر بمبکهای Stab که شوروی به مصر و سوریه داده است ، می باشد . همچنین گزارش داده شده است ( واشنگتن پست ، ۵ سپتامبر ۱۹۷۵ ) که ایالات متحده توافق کرده است بمبک های از نوع پیشین هم به اسرائیل تحویل دهد . بر این نوع بمبکها حدود ۷۲۵ کیلوگرم بوده ، قادرند سلاحهای هسته ای تا قدرت ۴۰۰ کیلوگرم حمل کنند ( اینها می توانی که در جنگ جهانی دوم هیروشیما با ناگازاکی را ویران کردند فقط ۲ کیلوگرم بودند ) . این افزایش کمک نظامی ، استقرار افراد آمریکائی در منطقه بیطرف ، نقش سرپرستی ایالات متحده در قرارداد و ضمانت های سیاسی ای که از جانب او - شنگتن به تل آویو داده شده است در مجموع ، همانطوریکه توسط یکی از مقامات عالی رتبه اسرائیلی ملاحظه شد ، عملاً مفهوم یک پیمان اجنبی بین اسرائیل و آمریکا می باشد .

در زمینه دیپلماتیک ایالات متحده به اسرائیل قول داده است که با استفاده از نفوذ خود از اخراج اسرائیلی از سازمان ملل جلوگیری کند . در ضمن نظر می رسد که کیسینجر موفق شده است در این رابطه همکاری سادات را هم جلب کند و بعیند نیست که در آینده مصر نیز به آمریکا برای جلوگیری از اخراج اسرائیلی از سازمان ملل کمک کند .

بنابراین واضح است که طبقه حاکمه اسرائیل به تمام اهداف اساسی خود دست یافته است . تثبیت وضع نظامی در سینا و تضمین برتری نظامی اسرائیل برای حداقل چند سال آینده به طبقه حاکمه اسرائیل این فرصت را می دهد که در مورد اشغال ارتفاعات جولان و ساحل غربی رودخانه اردن سخت پافشاری کند . بعد از امضای قرارداد سینا سادات ادا کرده که کیسینجر قول داده است ایالات متحده اسرائیل را تحت فشار قرار دهد تا قرارداد مشابهی با سوریه هم مذاکره کند . لیکن اسرائیل بزودی عدم تمایل خود را برای مذاکره چنین قراردادی نشان داد . روز ۶ سپتامبر رابین ، نخست وزیر اسرائیل طی یک مصاحبه چنین گفت : " تقریباً هیچگونه امکان قراردادی موقت بین اسرائیل و سوریه وجود ندارد " . دلایلی که برای آن ذکر کرد از این قرارند : " اولاً وجود آبادی های اسرائیلی در ارتفاعات جولان که بقول او " تاسیس نشده بودند که تخلیه شوند " . زبان حرف تلاطمی که اسرائیل قصد دارد ارتفاعات جولان را بطور دائمی اشغال کند ، دوماً " بخاطر وضع جغرافیائی جولان ، بدلیل افراطی گری حزب بعث که در دمشق حکومت می کند ، و بدلیل قدرت نیروهای مسلح سوریه که کوچکترین جای مانور برای یک قرارداد موقت در ارتفاعات جولان باقی نمی گذارد " . در پاسخ باین سؤال که اگر ایالات متحده از او بخواهد با سوریه مذاکره کند چه خواهد کرد ، چنین گفت : " ما دو تا سه ماه صبر خواهیم کرد تا ببینیم چه پیشنهادی ذاتی می کنند سپس گامی به می باید تصمیم بگیرد " . روز ۱۰ سپتامبر دولت اسرائیل اطلاعیه رسمی ای منتشر کرد که قبل از تصمیم گامی به می باید مذاکراتی با سوریه امکان پذیر نخواهد بود و این تصمیم چندین ماه بعد معلوم خواهد شد .

دلایل واقعی عدم تمایل اسرائیل به عقد قرارداد با سوریه ( تیزاز قصد کلی نگاه داشتن اراضی اشغال شده سوریه ) مربوط به موضع تضعیف شده فعلی دولت سوریه می باشد . با تثبیت جبهه مصر رژیم دمشق چاره مؤثری جز اقدامات نظامی برای تحت فشار قراردادن اسرائیل ندارد . ولی اگر ارتش سوریه دست به چنین اقداماتی بزند به احتمال قوی ارتش مصر دستور داده خواهد شد که از درگیری خودداری کند . این بخشی از توافق مصر و اسرائیل می باشد و سادات کوچکترین دلیلی ندارد که آن را رعایت نکند . سوریه هم قادر نیست بدون کمک مصر وارد جنگ بر علیه اسرائیل شود ، حتی اگر دولت سوریه تمایل آن را داشته باشد . بنابراین ، مگر اینکه اوضاع داخلی سوریه چنان بحرانی شود که رژیم بعثی در خطر سرنگونی قرار بگیرد ، رژیم بعثی سوریه مجبور خواهد بود که فعالیت های خود را به زمینه دیپلماتی محدود کند . اسرائیل هم فعلاً علاقه ای برای اشغال اراضی سینایی از سوریه نداشته ، بنابراین دلیلی وجود ندارد که در

را تحریک به اقدامات عجولانه ای بکند . در نتیجه اسرائیل فعلاً صبر خواهند کرد و تا زمانی که واشنگتن انگیزه های جالب تری مطرح نکند از هرگونه سازش در مورد ارتفاعات جولان خودداری خواهد کرد .

## مخالفت سوریه

بنا بر آنچه که ذکر شد قرارداد سینا موضع اسرائیل را در مقابل سوریه بطور قابل ملاحظه ای تقویت کرده است . مخالفت حکومت سوریه با این قرارداد از درک همین میانه سرچشمه می گیرد . حزب بعث سوریه روز ۲ سپتامبر رسماً قرارداد سینا را محکوم کرد و از آن بعنوان " شکست وخیمی برای مبارزه اعراب " نام برد . در دمشق چندین تظاهرات در مقابل سفارت مصر برای اعتراض به این قرارداد صورت گرفت . زهیر محسن رهبر الصاعقه سازمان فلسطینی طرفدار بعث سوریه هم قرارداد سینا را بشدت محکوم کرد .

لیکن تمام اظهارات رژیم بعث سوریه درباره شکست مبارزه اعراب و غیره صرفاً پوششی چپ نما برای شکایت واقعی اش می باشد ، یعنی که سادات بطور مجزا با اسرائیل صلح کرده است و با این کار خود رژیم سوریه را از امکان طرح یک قرارداد سازشکارانه برای خود محروم کرده است . رئیس جمهور سوریه حافظ اسد در مصاحبه ای با سردبیر مجله نیوزویک ( این مصاحبه در International Herald Tribune ، ۱۵ اکتبر منتشر شد ) با لحنی متفاوت از تبلیغات حزب بعث سوریه سخن می گفت . در پاسخ به این سؤال که چرا بنظر او قرارداد سینا صلح خاور میانه را در خطر قرار می دهد گفت : " باین دلیل که این قرارداد داد قدیمی بعثت از صلح می باشد و منجر به بحران بعدی خواهد شد . درهائی را که ممکن بود بروی صلح واقعی باز شوند بسته است " . اسد از اقدامات حکومت سادات بشدت اظهار ناراحتی میکرد . سردبیر نیوزویک با او گفت : " مصر گفته است که مذاکرات برای قرارداد جدید جولان در عرض یک ماه شروع خواهند شد . و طرفین از این خبر دارند . اسرائیل می گوید که چنین نیست و هیچگونه تعهدی داده نشده است که بعد از سینا نگاری بشود . کدام یک از آنها درست می گویند؟ " پاسه اسد این بود که " هیچگونه توافقی با هیچکس نشده که مذاکراتی آغاز شوند " .

سردبیر نیوزویک سؤال کرد : " آیا مصر به سوریه تعهد داد که مرحله دومی در سینا نخواهد داد مگر اینکه مستقیماً با عقب نشینی دیگری در جولان و پیشرفت در مورد مسأله فلسطینی ها مرتبط باشد؟ " اسد پاسخ داد : " زمانی که من سادات را در ریاض ملاقات کردم ، توافق کردیم که هیچگونه اقدامی بدون هماهنگی نزدیکی با هم نخواهیم کرد . هماهنگی هم یعنی ماده ۲ عقاید و رسیدن به یک موضع مشترک . یک کمیته هماهنگی باین منظور ایجاد شد . وظیفه آن این بود که تمام مسائل مهم را مورد بررسی قرار دهد و نتایج خود را به دو رئیس جمهور ارائه کند . قرار بر این بود که هر وقت که لازم باشد نیز با هم ملاقات کنیم . لیکن این کمیته هیچ مسأله مربوط به قرارداد سینا را مورد بحث قرار نداد . ماده ۲ نظریات و موضع مشترک در مورد این قرارداد نبود . مفهوم دیگر هماهنگی وجود نداشت " .

رژیم بعث سوریه اصعبی به " شکست مبارزه اعراب " نمی دهد . آنچه که برایش اهمیت دارد اینست که مصر بدون وی با اسرائیل توافق کرده است و در نتیجه در موضع بسیار ضعیفی قرار گرفته است . لیکن طی رقم تمام سرودائی که برآه انداخته است رژیم بعثت سوریه جلوه ای جز این ندارد که سیاست قبلی خود را ، که چندان اختلافی با سیاست مصر نداشت ، جعینان ادامه دهد . اسد هم سعی خواهد کرد تا با این اختیارات سیاسی و اقتصادی به اسرائیل آمریکا ، ایالات متحده را راضی کند که اسرائیل را تحت فشار قرار دهد تا به دمشق اعتباراتی بدهد . ولی برای اشکال کمی بعثت سوریه این سیاست دشوار خواهد بود زیرا اولاً این سادات مصر در جنبش فلسطینی و مردم خیر سوریه قرار می گیرند .

سادات امتیازات اقتصادی در اختیار ندارد که به امریالیزم آمریکا  
بند می کند و ثالثاً، و از همه مهم تر، اسرائیل در مقابل سوریه  
بیشتر با فشاری خواهد کرد تا در مقابل مصر. در نتیجه امکان یک  
قرارداد موقت در مورد ارتفاعات جولان در آتیبه نزدیک کم است. رژیم  
اسرائیل قبل از نوآوری شدن به مذاکرات جدی با سوریه حداقل تا زمان  
استقرار خطوط جدید در سینا یعنی حدود فوریه ۱۹۷۶ صبر خواهد  
کرد.

## مخالفت سازمان آزادی بخش فلسطین

مخالفت رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین با قرارداد سینا  
شبهه به مخالفت بعضی های سوریه می باشد. هدف تغییر جهت  
سیاسی سازمان آزادی بخش فلسطین بعد از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ این  
بود که در قراردادی که پس از جنگ، طرفین جویای آن بودند شرکت  
کند. سازمان آزادی بخش فلسطین مانند دستگاه دولتی ای شده است  
که در جستجوی یک دولت می باشد. با رد کردن مبارزه مسلحانه  
بر علیه دولت صهیونیستی رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین  
هدفشان تأسیس یک دولت فلسطینی در سواحل غربی رودخانه اردن  
پس از عقب نشینی اسرائیل گشته است. لیکن عقب نشینی اسرائیل از  
سواحل غربی رودخانه اردن، که بر جمعیت تری و پربهترین منطقه  
ای است که اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ اشغال کرد، بنظر رهبران  
سازمان آزادی بخش فلسطین؛ فقط از طریق فشار مصر، سوریه، سایر  
دولت بزرگ عربی و امپریالیزم آمریکا با هم امکان پذیر است. با سرعفات  
هم مانند اسد درک کرده است که با تثبیت جبهه مصر و عقد قرار  
داد صلح مستقل با مصر، دولت صهیونیستی تحت فشار دیپلماتیک  
کافی قرار نخواهد گرفت که حتی با سازمان آزادی بخش فلسطین  
وارد مذاکره شود چه رسد به اینکه از سواحل غربی رودخانه  
اردن هم عقب نشینی کند. قرارداد سینا نه تنها قرارداد جولان  
را برای مدتی به تأخیر انداخته است بلکه امکان تأسیس دولت  
فلسطینی را هم به آینده نامعلومی محول کرده است.

سازمان آزادی بخش فلسطین عکس العمل سرعی به امضای قرار  
داد سینا نشان داد. در اعلامیه ای که روز ۲ سپتامبر منتشر شد  
چنین ذکر شده بود: "عیرقم تعهداتی که مصر داده است،  
این قرارداد بهیچوجه صرفاً به مفاد نظامی محدود نبوده، بلکه  
سندی سیاسی بشمار می آید که صریحاً به حالت جنئی که بین دو  
کشور وجود داشت خاتمه می دهد." روز ۱۰ سپتامبر شورای مرکزی  
سازمان آزادی بخش فلسطین اطلاعیه ای صادر کرد که در آن ذکر  
شده بود: "قرارداد مصر و اسرائیل توهینی به شان مردم مصر،  
ارتش آنها و همچنین شان کل ملت عرب بشمار می رود. این قرارداد  
یک سازش واقعی سیاسی می باشد که به حالت جنگ با دشمنان صهیونیست  
فقط در یک جبهه پایان داده، در برابر روی سازشکاری با  
دشمن باز می کند."



روز ۳ سپتامبر سازمان آزادی بخش فلسطین تظاهرات ۱۰۰۰ نفره  
ای در مقابل سفارت مصر در دمشق ترتیب داد. لیکن هدف این  
تظاهرات، که یکی از شعارهایش "مردم فلسطین با افتخار به برخورد  
ژنرال حافظ الاسد در رود می گویند" بود، بطور واضح تقویت موضع  
دولت سوریه بود و نه تسبیح مردم فلسطین بر علیه قرارداد سینا.  
سازمان آزادی بخش فلسطین در واقع در موقعیت بسیار دشواری  
قرار گرفته است. تا به "پروژه صلح" در منطقه خاورمیانه توسط  
سازمان آزادی بخش فلسطین آن را در مقابل قرارداد سینا خلع سلاح  
کرده است. از طرف دیگر وابستگی شدید مالی سازمان آزادی بخش  
فلسطین به عربستان سعودی آن را از مقابله رود رود با رژیم سعودی  
که طرفدار سرسخت قرارداد سینا است بر حذر می دارد. اضافه بر این  
سیاست سازمان آزادی بخش فلسطین همواره این بوده است که  
مبارزه فلسطین را از مبارزات انقلابی کل جهان عرب جدا کند و در  
نتیجه پایه ای در مصر نهد که با استفاده از آن بر علیه سادات  
مبارزه کند. عکس العمل سادات به انتقادات سازمان آزادی بخش  
فلسطین این بود که روز ۱۱ سپتامبر فرستند؛ رادیوی سازمان را در  
قاهره "صوت فلسطین" گرفت. بام رادیو به "رادیو فلسطین" تغییر  
داده شد و کارمندان آن اخراج شدند. این رادیو برنامه های خود  
را ادامه داده است ولی گویندگان آن حالا مصری هستند و موسیقی  
که می خوانند اکثر اطلاعیه های دولتی مصر می باشند. همزمان  
با گرفتن فرستنده رادیو، مطبوعات مصر حمله شدیدی علیه سازمان  
آزادی بخش فلسطین را آغاز کردند.

با در نظر گرفتن میزان قوا در زمینه دیپلماتیک تنها راهی که  
سازمان آزادی بخش فلسطین می تواند با رژیم سادات و رژیم سعودی  
وارد مبارزه شود اینست که کارگران و دهقانان و پناهگاندگان فلسطینی  
را در سراسر خاور عرب بر علیه کل راه سالمیت آمیز تسبیح کند. چنین  
استقبالی که سازمان های "جبهه رد" دریافت کردند نشان می دهد  
که بدون شک پایه توده ای برای چنین بسیجی وجود دارد. ولی  
اقدام چنین بسیجی مستلزم اینست که رهبری سازمان آزادی بخش  
فلسطین مواضع سیاسی خود را رد کند و از نیروهای که هنرمند  
پورکراسی آن را تأمین می کنند بیزد. بنابراین به احتمال قوی سازمان  
آزادی بخش فلسطین از مبارزه جدی خودداری خواهد کرد و بالاخره  
قرارداد سینا را قبول خواهد کرد.

## آیا این صلح موقتی است؟

با وجود اینکه هدف قرارداد سینا این بود که صلح مجزائی  
بین مصر و اسرائیل برقرار شود این قرارداد بهیچوجه نمی تواند  
استقرار این صلح را تضمین کند. اگر سوریه و اسرائیل بنیادین نرسند  
و اگر بسیج فلسطینی ها، سوریه ای ها و لبنانی ها ادامه پیدا  
کند موقعیت رژیم بعثی دمشق پس از مدتی ممکن است غیر قابل تحمل  
شود. در آن صورت امکان دارد دمشق وادار به اقدامات نظامی  
علیه اسرائیل شده، از این طریق کوشش کند بن بست دیپلماتیک را  
بمنفع خود بشکند. در چنین شرایطی رژیم سادات با بزرگترین بحران  
خود روبرو خواهد شد. برای سادات بسیار دشوار خواهد بود که  
اگر بین اسرائیل و سوریه جنگ درگیرد در آن حالت نرسند. در  
چنین شرایطی سادات با می باید قرارداد سینا را بشکند و در نتیجه  
هم با امپریالیزم آمریکا درگیر شود و هم با احتمال قوی شکست نظامی  
بزرگ دیگری از ارتش تقویت یافته اسرائیل تحمل کند، یا می ناپسند  
قرارداد سینا را رعایت کند و در نتیجه برخورد شدیدی با توده ها  
مصری و حتی یک انفجار انقلابی را در مصر تحمل کند. هیچکدام از  
این دو راه نه برای سادات و نه برای امپریالیزم آمریکا خوش آیند  
نخواهد بود.

از طرف دیگر اگر جبهه سوریه هم مانند جبهه مصر تثبیت یابد  
مسئله اشغال ساحل غربی رودخانه اردن توسط اسرائیل حد آن  
جدا نخواهد بود و باز میان بزرگان گشته شدن خطر جنگ با سوریه

و مصر رژیم صهیونیستی تحت فشاری برای سازش در این مورد نخواهد بود. موضع سازمان آزادی بخش فلسطین شدت تضعیف خواهد شد و اگر اسرائیل نخواهد بالاخره مذاکراتی در مورد ساحل غربی رود - خانه اردن انجام دهد می تواند با رژیم ملک حسین در اردن مذاکره کند و به با سازمان آزادی بخش فلسطین.

در نتیجه واضح است که هدف بعدی امپریالیزم آمریکا (و همچنین سادات و اسد) مذاکره بک قرار داد در مورد جولان می باشد. همان طوری که اشاره شده است، بدلیل تناقض قوائی که در نتیجه قرار داد سینا بوجود آمده است، توافق در مورد جولان دشوار خواهد بود. ولی با اطمینان خاطر می توان پیش بینی کرد که رژیم اسد هم همان راه سیاستگزارانه سادات را دنبال خواهد کرد.

ادامه این پروسه مذاکرات صلح تحت نظر آمریکا باعث تشدید شرایط خفقان در دنیای عرب خواهد شد. توده های فلسطینی، مبارزین پیشگام در سراسر خاور عربی و حتی خود سازمان آزادی بخش فلسطین همگی از واقعیت این "صلح آمریکائی" آگاه خواهند شد و به هائل استقرار آن مقاومت خواهد شد. رژیم های سوریه، لبنان و مصر بشدت هرچه بشتر به این مقاومت پاسخ خواهند داد. از هم اکنون همکاری بیشتر بین دستگاه خفقان کشورهای مختلف عربی شروع شده است. یک حال از این همکاری دستگیری اعضای سازمان کمونیست عرب می باشد (و بدون شک تشدید خواهد یافت). اشغالگران اسرائیلی نیز خفقان را در ساحل غربی رود خانه اردن و غزه افزایش خواهند داد. سازشکاری این رژیم های عربی با امپریالیزم آمریکا و دولست صهیونیستی بطوری اجتناب ناپذیر سیرکوی و خفقان مبارزین پیشگام عرب را ایجاد می کند.

در مصر کمیشن رژیم سادات برای برطرف کردن بحران اقتصادی اجتماعی داخلی از طریق تزریق بمقادیر عظیم سرمایه آمریکائی به بحران کاملاً با شکست زهرور بوده است و در آینده هم موفقیت بیشتری نخواهد داشت. بیکاری، تورم و تزلزل روز بروز سطح زندگی در مصر به بیداری مجدد طبقه کارگر مصر، مهم ترین بخش پرولتاریای عرب ویدایش بیشگامان سیاسی از میان آن منجر شده است. گرچه اعمال سازشکارانه اخیر سادات منجر به بسیج قوری بر علیه او نشده است. مبارزات کارگری در مصر روبه صعور بوده و افزایش خواهند یافت. رژیم سادات مبارزه شدیدی علیه مبارزین مصری را شروع کرده است. در اوت ۱۹۷۴، چهارده نفر با اتهام داشتن نوار آهنگ ها و اشعار انتقادی علیه رژیم دستگیر شدند. در نوامبر ۱۹۷۴ یک وکیل و پنج نفر دیگر با اتهام "تشکیل یکسلول مخفی" بازداشت شدند. در دسامبر ۱۹۷۴ بیست و آلی نفر در پرت سعید بجزم شرکت در تظاهرات در دفاع از اتحادیه هنرمدان و نویسندگان دستگیر شدند. پس از اعتصاب و تظاهرات روز اول ژانویه ۱۹۷۵، ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر دستگیر شدند. پس از اعتصاب و شورش در جمله کبری، از مراکز صنعتی مصر، ۷۵ نفر دستگیر شدند. در اوت ۱۹۷۵ بیست نفر با اتهام عضویت در جامعه کمونیست های انترناسیونالیست دستگیر شدند. و این ها فقط مواردی هستند که خبر آن بخش شده است. در چنین شرایطی دفاع از مبارزین انقلابی در مصر و سایر کشورهای عربی اهمیتی بسیار دارد و در واقع قدمی در راه شکست قرارداد تسلیم طلبانه رژیم های عربی می باشد.

اقتباس از مقاله ای تحت همین عنوان از شماره ۲۴ اینمیر، ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۵.

فصلنامه شماره ۲ کنگره اول (فهرستین ۱۱۲۵۴)

صفحه	ستون	سطر	عظ	صبح
۱۱	۲	۱۷	قدری امتناع ورزد	قدری امتناع می ورزد
۱۲	۱	۲۰	توسط آرا مگو	توسط آرا مگو را
۱۲	۱	۳ از پائین	فقط یک جنبه از وابستگی آنهاست -	فقط یک جنبه از وابستگی آنهاست - وابستگی نفی آنها فقط یک جنبه از وابستگی عمومی، و وابستگی آنها به
/ صفحات ۱۲ و ۱۴ با یکدیگر عوض شوند. صفحه ۱۴ بجای صفحه ۱۳ و صفحه ۱۳ بجای صفحه ۱۴ خوانده شود.				
۱۴	۱	۱۱ از پائین	علت مستحکم	علت اصلی مستحکم
۱۵	۲	۱	افزایش دهد	افزایش می دهد
۱۶	۱	۱۵	قسمت زیادی	" قسمت زیادی
۱۷	۱	۱۵ از پائین	تئوری (هر چند مختصر)	تئوری مارکسیستی (هر چند مختصر)
۴۰	۱	سطر آخر و سطر اول	جمله " بنابراین اکثریت رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین بطرف موضع ابویا بد جلب شدند" حذف شود.	
۴۱	۲	۵	موکتی با همین بنگال نیروهای مسلح توده ای بنگال Mukti Bahini بعد از	موکتی با همین بنگال [نیروهای مسلح توده ای بنگال Mukti Bahini] بعد از
۷۹	۲	آخر	احتیاج به بندی نیست.	احتیاج به بند نیست.
۸۳	۲		از خط [کار ذخیره ای را که بدین ترتیب "آزاد" می شود یعنی] به بعد دنباله زیر نویس ستون اول است. و این خط باید از بقیه قوائی ستون با یک خط افقی جدا شود.	